

خلاصه بحث

به نظر ما وتیره باید نشسته خوانده شود و نمی توان آن را ایستاده خواند. چون اولاً ظهور نصوص مشهوره در این است، و در مقام تعارض با مصححه سلیمان بن خالد نیز باید قائل به ترجیح نصوص مشهوره بشویم. علاوه بر این، احتیاط و اصاله التعین نیز همین مطلب را افاده می کند.

نافله صبح دو رکعت است که قبل از نماز صبح خوانده می شود، و وقت آن از طلوع فجر اول است، ولی قبل از فجر اول و در ضمن نماز شب نیز می توان خواند.

کیفیت اقامه نماز وتیره

بحثی در مورد نماز وتیره باقی مانده و آن این است که آیا وتیره حتماً باید نشسته خوانده شود، یا ایستاده نیز می توان آنرا بجا آورد؟

صاحب جواهر فرموده است:

«و الركعتان المسماتان بالوتيرة اللتان ذكرنا أنهما يصليان من جلوس حتماً أو استحباباً يفعلا بعد صلاة العشاء»^۱.

ایشان با این کلام، به دو قول یا دو احتمال در مساله اشاره فرموده است. که یک احتمال این است که وتیره باید نشسته خوانده شود، و احتمال دوم این است که مستحب است نشسته خوانده شود ولی ایستاده نیز می توان خواند.

ظاهر نصوص مقام این است که وتیره باید نشسته خوانده شود، و تنها مصححه سلیمان بن خالد است که ایستاده خواندن را افضل دانسته است.

به هر حال با توجه به این نصوص، در اینجا دو احتمال وجود دارد:

۱ جواهر الکلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۷، ص ۱۹۰.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۳۰

احتمال اول این است که اساساً تشریع به یک رکعت ایستاده تعلق نگرفته، و آنچه از اول تشریع شده است همان دو رکعت نشسته است.

احتمال دوم این است که تشریع به یک رکعت نماز ایستاده تعلق گرفته، ولی دو رکعت نشسته نیز جایگزین آن شده است. اگر احتمال اول را در نظر بگیریم، باید بگوییم که حتماً نماز به صورت دو رکعت نشسته خوانده شود، و اصلاً یک رکعت ایستاده مشروع نیست.

آنچه که در این نصوص ذکر شده بود این بود که وتیره دو رکعت نشسته است، و ظاهر این نصوص با همین احتمال اول سازگار است.

البته در برخی از این نصوص تعبیر «تعد برکعة مکان الوتر» آمده بود، یعنی این وتیره جایگزین نماز وتر، و تکمیل کننده عدد است، منتهی معنای این عبارت این است که شارع در همان اصل تشریع، می توانست حکمت و غرض خودش را به یکی از این دو کیفیت محقق کند، یکی اینکه یک رکعت ایستاده جعل کند، و دیگری اینکه دو رکعت نشسته جعل نماید. اما آنچه که شارع اختیار کرده است این است که دو رکعت نشسته خوانده شود. بنابراین طبق این تفسیر، ایستاده نماز خواندن اصلاً مشروع نیست.

این ظاهر نصوص است، و ظاهر کلمات اصحاب نیز همین است که باید وتیره نشسته خوانده شود.

احتمال دوم و قول دوم این است که آنچه از ابتدا تشریع شده است همان یک رکعت ایستاده است، منتهی این نصوص بیان می کنند که دو رکعت نشسته خواندن نیز می تواند جایگزین آن یک رکعت ایستاده بشود.

بر اساس این قول، افضل بودن ایستاده نماز خواندن نیز ثابت می شود، چون طبق این قول، دو رکعت نماز نشسته، جایگزین یک رکعت ایستاده است، یعنی آنچه اصل است و تشریع به آن تعلق گرفته است همان یک رکعت ایستاده است، و اصل، افضل از فرع است. بنابراین ایستاده نماز خواندن افضل از نشسته نماز خواندن خواهد بود.

فلذا طبق این قول، مصححه سلیمان بن خالد بر اساس قواعد خواهد بود.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۳۰

عرض ما این است که وجه اول متعین است. چون ظاهر نصوص همین است که اصلاً این تشریع از همان ابتدا به این شکل بود که باید نشسته خوانده شود.

یعنی در مرتبه قبل از جعل، خداوند تعالی و شارع مقدس غرضی از این تشریع داشت و آن، اکمال عدد، یا جایگزین شدن برای وتر بود، و برای رسیدن به این غرض، دو کیفیت وجود داشت، یکی اینکه از ابتدا تشریع کند که یک رکعت قائماً خوانده شود، و در عین حال تجویز کند که به جای آن، دو رکعت نشسته نیز می تواند خوانده شود. این یک کیفیت است.

کیفیت دیگر این است که از ابتدا نافله را به جای یک رکعت قائماً، دو رکعت نشسته تشریع کند. این به جای آن خواهد بود. به همین دلیل، می خواهیم بگوییم که در مرتبه قبل از جعل، شارع مقدس اصل تشریع را به کیفیت دو رکعت نشسته انجام داده است، نه یک رکعت قائماً.

به نظر ما تمام این نصوص ظهور در این مطلب دارند، و تعبیر «مکان الوتر» نیز به همین معناست که دو رکعت نشسته، بجای نماز وتر جعل شده است.

با این بیان، بین همه این نصوص و مصححه سلیمان بن خالد که عثمان بن عیسی در سندش واقع شده بود، تعارض پیش می آید، و باید نصوص مشهوره را مقدم کنیم.

اصحاب نیز همین را فتوا داده اند و نماز وتیره را دو رکعت نشسته دانسته اند. بنابراین شهرت رواییه و فتواییه این است که نماز وتیره نشسته خوانده می شود و همین شهرت فتواییه و رواییه موجب ترجیح نصوص بر مصححه سلیمان می شوند.

این سخن ما بود. اما به فرض که کسی این حرف را نپذیرد و بگوید که ما شک می کنیم که آیا تشریع به کیفیت اول (یک رکعت قائماً) صورت گرفته یا به کیفیت دوم (دو رکعت جالساً)، در اینجا در مقام امتثال، عقل حکم می کند که اصل بر اصاله التعینیه است؛ یعنی اگر نماز را نشسته بخواند در هر صورت به وظیفه اش عمل کرده است، و امر استحبابی امتثال شده است، چه اینکه فقط نماز نشسته مشروع باشد، و چه اینکه انسان مخیر بین نشسته و ایستاده باشد، در هر صورت نشسته خواندن صحیح است. اما اگر ایستاده نماز بخواند نماز فقط در یک صورت صحیح است. در چنین مواردی عقل حکم به تقدیم جانب تعیین می کند.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۳۰

سؤال: این حرف ها در صورت استقرار تعارض است، اما آیا نمی توان بین دو طایفه جمع کرد تا نوبت به تعارض نرسد؟

جواب: نصوص مشهوره به هیچ وجه سازگاری با این ندارند که یک رکعت ایستاده جعل شده باشد، بنابراین تنافی و تعارض دارند و قابل جمع نیستند.

نافله صبح

امام خمینی رحمه الله علیه می فرمایند:

«و رکعتان للفجر قبل الفريضة، و وقتهما الفجر الأول، و يمتدّ إلى أن يبقى من طلوع الحمرة مقدار أداء الفريضة، و يجوز دسهما في صلاة الليل قبل الفجر و لو عند نصف الليل، بل لا يبعد أن يكون وقتهما بعد مقدار إتيان صلاة الليل من انتصافها، و لكن الأحوط عدم الإتيان بهما قبل الفجر الأول إلا بالدس في صلاة الليل»^۲

ایشان می گوید وقت نافله صبح از «فجر اول» آغاز می شود. «فجر اول» را «مجمع البحرين» خوب توضیح داده است. یکی از ویژگی های این کتاب این است که اصطلاحات فقهی را نیز بیان می کند.

فجر اول همان سپیده ای است که از طرف مشرق به صورت تصاعدی بالا می رود و به سمت آسمان حرکت می کند. این فجر اول است که به آن فجر کاذب هم می گویند. و در این مرحله هنوز وقت فريضة داخل نمی شود.

اما فجر ثانی آن نوری است که در افق پراکنده می شود که این همان فجر صادق است. و وقت نماز صبح است.

وقت نافله صبح را گفته اند که همان فجر اول و قبل از آغاز وقت نماز صبح است.

انتهای وقت نافله صبح هم تا هنگام حمرة است، که وقت نماز صبح هم همان است.

^۲تحریر الوسيلة (دو جلدی)، الخميني، السيد روح الله، ج ۱، ص ۲۰۳۱

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۳۰

نافله صبح را در بین نافله شب نیز می توان بجا آورد، ولی بهتر است که بعد از اتمام نماز شب و شفع و وتر، این دو رکعت نافله خوانده شود.

وقت نماز شب از نیمه شب است، بنابراین نافله صبح را هم می توان در همان نیمه شب، در بین نافله شب بجا آورد.

البته وقت فضیلت نماز شب این است که یک سوم آخر شب و هنگام سحر باشد.

به هر حال طبق نظر امام راحل، وقت نافله صبح، هنگامی است که فجر اول رخ بدهد، و خواندن نافله قبل از این وقت صحیح نیست، مگر آنکه در بین نماز شب باشد که در این صورت حتی از نیمه شب هم می توان اقدام به این نماز کرد.

صاحب جواهر نیز در مورد وقت نافله صبح چنین فرموده است:

«و الظاهر تناول صلاة الليل لركعتي الفجر، لما عرفته هناك من تعارف دخولهما فيها لفظا و معنى كما يومي اليه تسميتهما بالدراسيتين، فما في الروض من استثنائهما من رخصة التقديم لا يخلو من نظر»^۳

ایشان می فرمایند که وقت نافله صبح قبل از فجر اول است، که در آن هنگام، شب است و هنوز روز داخل نشده است، بنابراین تعبیر نماز شب می تواند حتی بر نافله صبح هم صادق باشد. و می توان گفت که از نظر لغوی، نافله صبح نیز داخل در نافله لیل است.

۳ جواهر الکلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۷، ص ۲۱۰.